

بررسی تقنینی و قضایی جرم انگاری مطبوعاتی با مروری بر دعاوی مطبوعاتی

احمد غریبی

دارای مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

در کشور ما بحث جرم انگاری و یافتن پاسخ‌های مناسب در قلمرو مطبوعات به دلایل متعدد از جمله تأخیر در تولد، فقدان فضای آزاد برای فعالیت‌های مطبوعاتی و تولد و رشد در محیط استبدادی، جو سانسور و خود سانسوری، عدم وجود احزاب به عنوان پشتوانه مطبوعات و... نتوانسته نهادینه شود. اگرچه، با تصویب شش قانون عمده مطبوعاتی و ده‌ها تکمله و تبصره در قانونگذاری رکورد داریم ولی از لحاظ رویه قضایی فقیر و ناهماهنگ با تحولات جهانی است. مهم‌ترین راه خروج از این مشکل شناخت زوایای گوناگون پدیده مجرمانه مطبوعاتی و یافتن راه حل علمی مبتنی بر نیازهای امروز جامعه و تدوین قانون مطبوعات بر این مبنا است. به نحوی که از طرفی محدودیت‌های غیرمنطقی نسبت به مطبوعات که نتیجه‌ای جز کندی توسعه سیاسی جامعه ندارد؛ اعمال نشود و از طرف دیگر با بی‌تدبیری در این قلمرو، جامعه شاهد هرج و مرج مطبوعاتی و خروج از اعتدال و در نتیجه لطمه به حقوق اشخاص و امنیت ملی نباشد. در این تحقیق با بررسی ۲۰۶ پرونده مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی، بررسی جرم انگاری مطبوعاتی با مروری بر دعاوی مطبوعاتی را مورد مذاقه قرار داده ایم که برداشت موسع از جرم مطبوعاتی در دادگاه‌های تشکیل شده، تمایل به توسعه دامنه توهین به انتقادات مطبوعاتی، عدم رعایت اصل قانون بودن جرم در بعضی محاکمات مطبوعاتی علیرغم رعایت این اصل در قانون مطبوعات از جمله مهم‌ترین دستاوردهای تحقیق است.

واژگان کلیدی: مطبوعات، جرم مطبوعاتی، جرم انگاری

مقدمه

از ابتدای خلقت پدیده های ضد اخلاقی و ناهنجاری های گوناگونی از جمله پدیده مجرمانه که حاصل فعالیت های ضد اجتماعی انسان می باشد وجود داشته است که در عصر کنونی پدیده مجرمانه مطبوعاتی از آن جمله است. گذر از عصر ارتباطات ساده، شفاهی و رو در رو و ورود به عصر چاپ و کپکشان گوتنبرگ و توسعه صنعت چاپ باعث ایجاد مطبوعات در معنای خاص (با ویژگی مکتوب بودن، بقای اثر، نظم و ترتیب و سرعت در انتشار و مخاطبین فراگیر) شده و پیامدهای مثبتی چون انباشت و انفجار اطلاعات، اطلاع رسانی، توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تبادل اندیشه ها، توسعه نهضت بیداری، نظارت و کنترل حکومت و گسترش آزادیهای سیاسی و مدنی را به همراه داشته است. (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۸) مطبوعات صاحب عنوان رکن چهارم دموکراسی یا رکن چهارم حاکمیت و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود شده اند. اما همین ابزار نظارتی با آثار مثبت فراوان و خصوصیات فقدان خشونت، همچون سایر مصنوعات بشری نگرانی و مشکلاتی را برای افراد به وجود آورده است. دگرگونی و نابودی ارزش های مثبت انسانی و تحمیل الگوهای ضد ارزشی، تجاوز به حریم زندگی خصوصی افراد، تضعیف امنیت ملی، تشدید احساس ناامنی، تحریک به عداوت های نژادی، اخلال در سیستم قضایی، توهین و هتک حرمت افراد و دولتمردان و... از جمله پیامدهای منفی مطبوعات و توان بالقوه آن در آسیب رساندن به اجتماع است. مطبوعات به عنوان رسانه ای اندیشه ساز، از ارکان قوی و خدشه ناپذیر هدایت یا ضلالت هر جامعه ای می باشند و به همان میزانی که مطبوعات سالم و سازنده، در رشد و تعالی یک ملت مؤثرند، مطبوعات ناسالم و مخرب در ضلالت و گمراهی اندیشه های یک جامعه نقش دارند. با توجه به این موضوع، قانونگذار جرایم را از جهت گوناگون تقسیم بندی کرده و برای رسیدگی به جرم مطبوعاتی تشریفات خاصی قائل شده که از دید صاحب نظران، این تشریفات نوعی ارفاق به مطبوعات به واسطه احترام به اصل آزادی بیان بوده است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۸)

در کشور ما بحث جرم انگاری و یافتن پاسخ های مناسب در قلمرو مطبوعات به دلایل متعدد از جمله تأخیر در تولد، فقدان فضای آزاد برای فعالیت های مطبوعاتی و تولد و رشد در محیط استبدادی، جو سانسور و خود سانسوری، عدم وجود احزاب به عنوان پشتوانه مطبوعات و... نتوانسته نظیر سایر زمینه های حقوقی نهاده شده. اگر چه با تصویب شش قانون عمده مطبوعاتی (۱۸ بهمن ۱۳۸۶، ۱۱ آذر ۱۳۳۱، ۱۵ بهمن ۱۳۳۱، ۱۰ مرداد ۱۳۳۴، ۲۰ مرداد ۱۳۵۸، ۲۲ اسفند ۱۳۶۴) و ده ها تکمله و تبصره در قانونگذاری رکورداریم ولی هنوز از لحاظ نظری و رویه قضایی فقیر و ناهماهنگ با تحولات جهانی قدم برمی داریم.

جرم مطبوعاتی در قوانین ایران

علیرغم سابقه نود ساله قانون گذاری در حوزه مطبوعات و تصویب شش قانون جامع مطبوعاتی و ده ها ماده واحده و آیین نامه در حقوق ایران، هنوز "جرم مطبوعاتی" یکی از واژگان مبهم حقوقی است. دادرسی خاص جرایم مطبوعاتی (نظیر حضور هیئت منصفه و علنی بودن دادگاه)، نقش آفرینی مطبوعات در صحنه سیاسی کشور، کارکرد حزبی مطبوعات و شکل گیری دادگاه ویژه مطبوعات با حضور هیئت منصفه پس از یک فترت ۹۰ ساله، اهمیت تعریف جرم مطبوعاتی را دوچندان کرده است.

در مجموعه قوانین قبل از انقلاب اسلامی، سه تعریف از جرم مطبوعاتی وجود دارد. قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۱۰ برای اولین بار در ماده دوم خود این جرم را چنین تعریف کرده است: «جرمی که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب الانتشار واقع میشود جرم مطبوعاتی است.» ولی نظر به جو اختناق آمیز سیاسی و اجتماعی آن زمان، ماده سوم آن قانون، برخلاف اصل بیستم قانون اساسی مشروطیت، تعداد زیادی از جرائم ارتكابی به وسیله مطبوعات از قبیل توهین به رئیس مملکت و رؤسای ممالک خارجه و نمایندگان آنها و وکلای مجلس و وزراء و غیره را از حیطه شمول عنوان جرم مطبوعاتی خارج کرده است. بعد از آن لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵ ه.ش که قانونی نسبتاً جامع و مبتنی بر اصل بیستم قانون اساسی مشروطیت است، در ماده ۳۴ جرم مطبوعاتی را چنین تعریف می کند: "جرایمی که به وسیله روزنامه ها یا مجله واقع شود جرایم مطبوعاتی است." و در فصل سوم تحت عنوان جرائم مطبوعاتی از مواد ۱۵ تا ۲۹ مفصلاً به ذکر مصادیق جرائم مطبوعاتی پرداخته است. باید توجه داشت که چنین تعاریفی دارای دو ایراد مشترک است: ۱. به جای تعریف ماهیت و ذات جرم مطبوعاتی، صرفاً به وسیله ارتكاب این نوع از جرم توجه شده است، ۲. این تعریف بسیار گسترده و عام بوده و دارای ابهام است به صورتی که طیف وسیعی از جرایم را شامل می شود. جرایمی که علی الاصول نمی تواند جرم مطبوعاتی محسوب شود. نمونه هایی از این جرایم را می توان در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مشاهده نمود. این ماده افرادی را که روزنامه و نشریه را وسیله ارتكاب جرم قرار می دهند

یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عام از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد، مستحق تشدید مجازات دانسته و در تبصره این ماده حتی تعلیق مجازات افراد مذکور ممنوع گردیده است. در عمل نیز محاکمه چنین افرادی به صورت عادی و بدون حضور هیئت منصفه صورت می گیرد و این استدلال که چنین افرادی مطبوعات را وسیله ارتکاب جرم قرار داده اند و بدین جهت جرم آنها مطبوعاتی است مورد قبول نیست و یا با هیچ یک از اصول و موازین حقوقی سازگاری ندارد. سپس لایحه قانون مطبوعات مصوب مردادماه ۱۳۳۴ ه.ش در ماده ۳۰ در مورد جرم مطبوعاتی چنین میگوید: «جرم مطبوعاتی عبارت است از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی یا سیاسی به شخص یا اشخاص. بنابراین توهین و افترا... بدون توجه به مقام و موقعیت اجتماعی و یا بستگان شخص... جرم مطبوعاتی نیست و جرم عادی است.» این تعریف که در جو اختناق و ارباب حکومت کودتای پهلوی به تصیب رسیده است، جرم مطبوعاتی را بسیار مضیق و محدود نموده است. این تدابیر در جهت فرار از محاکمه علنی مخالفان حکومت کودتا و منع هیئت منصفه از حضور در این محاکم است. (ابراهیم عقیقی، ۱۳۸۳، ص ۱۷) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۱۶۸ قانون اساسی با وجود حفظ تضمینات خاص در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، جرم مطبوعاتی را تعریف نکرد. در لایحه قانونی مطبوعات ۱۳۵۸ در تعریف جرم مطبوعاتی تناقضی مشاهده می شود. از طرفی ماده ۳۰ این قانون مقرر می دارد: «به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه جنایی و با حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود.» این تعریف ناظر به مفهوم موسع جرم مطبوعاتی است. از طرف دیگر ماده ۳۸ این قانون مقرر می دارد: "برای رسیدگی به جرایم مندرج در این لایحه قانونی دادگاه جنایی با مشارکت رییس و دو نفر دادرس و با حضور هیئت منصفه تشکیل میشود." بنابراین برخلاف تعریف موسع ماده ۳۰ از جرم مطبوعاتی، در ماده ۳۸، جرم مطبوعاتی منحصر به جرایم مندرج در این لایحه قانونی (مواد ۱۸ تا ۲۹) شده است. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز در تعریف جرم مطبوعاتی همچنان ابهام دو لایحه قانونی ۱۳۳۱ و ۱۳۵۸ را حفظ کرده است. از طرفی به موجب ماده ۳۴ این قانون "به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه و با حضور هیئت منصفه رسیدگی می شود." از طرف دیگر وجود فصل ششم این قانون تحت عنوان جرایم و انحصار آن در نه جرم، موجب این ابهام شده است که آیا اطلاق ماده ۳۴ در تعریف جرم مطبوعاتی یا جرایم نه گانه فصل ششم این قانون مقید شده است یا خیر؟ (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷، ص ۲۳) ضمناً در اصلاحیه فروردین سال ۷۹ نیز به این امر توجه نشده است. لکن به نظر می رسد این عدم توجه ناشی از این مطلب است که از مفهوم اصل ۲۴ قانون اساسی، می توان به یک تعریف جامع و مانع از جرم مطبوعاتی رسید. نهایتاً می توان جرم مطبوعاتی را چنین تعریف کرد: "جرمی که مبتنی بر انتشار مطالب مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی به وسیله مطبوعات باشد؛ تفسیر این عناوین و مصادیق آن ها را قانون مطبوعات بیان می کند." (ابراهیم عقیقی، پیشین، ص ۱۷)

جرم انگاری در حوزه مطبوعات

جرم انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرآیندی است که طی آن رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا واقع می شود. به عبارت دیگر، جرم انگاری یا فرآیند جرم سازی، توسل به ضمانت اجرای کیفری از طریق جرم تلقی کردن سلسله رفتارهای خاص است. به این ترتیب قانونگذار با توجه به ارزشهای جامعه و در جهت حفظ نظم عمومی، بعضی اعمال را که در حیطه اباحه و یا انحراف است با تعیین ضمانت اجرای کیفری، داخل در قلمرو حقوق جزا قرار می دهد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ص ۳۸)

از نظر حقوق کیفری، قانون جرم را تعیین می کند؛ زیرا تشخیص رفتارهای خلاف نظم اجتماعی به عهده قانونگذار شده است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را فعل یا ترک فعلی معرفی می کند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. این تعریفی فنی از جرم است که در شناسایی مبانی قانونگذار در جرم انگاری راهگشا نیست، از این رو حقوقدانان با توجه به مؤلفه های عینی، جرم را رفتاری آسیب زا، عمومی و قبیح می دانند. در این نگاه، جرم عملی است که به نظم، صلح و آرامش جامعه صدمه وارد می کند. تعریف فنی جرم شرح اسمی است که بدون توجه به ارکان اصلی جرم به عنوان رفتاری خارجی ارائه شده است، حال آن که دانش حقوق بررسی ارکان جرم امری مهم تر از تعریف مذکور قلمداد می کند. تصریح قانونی به جرم بودن عمل پیش از وقوع آن (رکن قانونی)، تحقق کامل رفتار خارجی و نتیجه آن (رکن مادی) و وجود قصد و عمد یا خطای کیفری (رکن روانی) سه رکنی هستند که حقوق دانان برای شکل گیری یک عمل مجرمانه ضروری می دانند. رکن مادی و روانی دو پایه ای هستند که تحقق خارجی جرم به آنها قوام می یابد و رکن قانونی عاملی است که توصیف مجرمانه عمل بر آن استوار است. به عبارتی روشن تر هر چند صرف وجود ارکان مادی و روانی برای تحقق خارجی جرم لازم است اما جرم تلقی شدن آن بدون حضور رکن قانونی امکان پذیر نیست؛ مسأله ای که از آن با عنوان اصل قانونی بودن جرم و مجازات یاد می شود. (قاسم محمدی، پیشین، ص ۵۰)

عناصر تشکیل دهنده جرایم مطبوعاتی

در این بخش جهت تشخیص تمایز جرایم مطبوعاتی با سایر جرایم عادی، ارکان و عناصر تشکیل دهنده آن را فارغ از عناوین متعدد آن بررسی می‌کنیم:

الف) رکن مادی: جرم مطبوعاتی جرمی عمومی است و وصف مطبوعاتی آن بیانگر شرایط خاصی است که در ارتکاب آن لحاظ شده است و تبیین رکن مادی جرم مطبوعاتی بدون توجه به وضعیت هر یک از مصادیق آن امری غیرممکن می‌نماید. زیرا رکن مادی این دسته از جرایم مانند توهین، افشای اسرار و اقدام علیه امنیت عموماً از ترکیب رکن مادی یک جرم عمومی با عنصر نشر به وجود می‌آید. اما همه مصادیق جرم مطبوعاتی از این دست نیستند و ممکن است آنچه منتشر می‌شود به تنهایی جرم به شمار نیاید. انتشار نشریه توقیف شده از این دست است و اینگونه جرایم مطبوعاتی اغلب تنها در قلمرو مطبوعات قابل تحقق اند. در هر حال بخش نخست رکن مادی جرم مطبوعاتی اگر خود جرمی مستقل باشد تمایزی با حالت غیرمطبوعاتی آن ندارد، مگر آنکه جرم نبوده یا به طور خاص درباره مطبوعات جرم انگاری شده باشند. اما در بخش دوم رکن مادی جرم مطبوعاتی خصوصیتی انحصاری است که باید مورد توجه قرار گیرد. شناسایی انتشار به عنوان یکی از عناصر لازم در تحقق جرم مطبوعاتی موجب می‌شود مادام که مطلبی به صورتی عمومی توزیع نشده باشد، هرچند به چاپ برسد، نتوان اصطلاح جرم مطبوعاتی را در مورد آن به کار برد. البته این دیدگاه به معنی فقدان وصف کیفی در چنین اعمالی نیست بلکه مطبوعاتی بودن جرم را منوط به توزیع مطلب چاپ شده قلمداد می‌کند. (محسن اسماعیلی، پیشین، ص ۶۴)

ب) رکن روانی: وجود نشر به عنوان عملی که با قصد و عمد محقق می‌شود در رکن مادی جرایم مطبوعاتی، آن را در زمره جرایم عمدی جای داده است و با توجه به لزوم وجود قصد در نشر و پایین بودن احتمال خطا در این عمل عموماً وجود قصد نشر در خصوص این جرایم مفروض قلمداد می‌شود و شاکی برخلاف رویه سایر جرایم، موظف به اثبات مجرمیت نیست و صرف تحقق رکن مادی، اتهام را متوجه مدیرمسئول می‌کند و اوست که باید بی‌گناهی خویش را به اثبات برساند که این وضعیت را می‌توان ذیل دو عنوان «فرض قانونی» یا «مسئولیت مطلق» توجیه کرد. رویه حاکم در ایران و استدلال‌هایی که از جانب محاکم رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی ارائه می‌شود نوعی گرایش به نظریه «مسئولیت مطلق» را در این خصوص نشان می‌دهد که نمونه بارز این مسأله را می‌توان در محکومیت مدیرمسئول روزنامه گنبد کبود به موجب خطای واقع شده در مرحله لیتوگرافی مشاهده کرد. در این پرونده به واسطه درج تصویری که در مرحله لیتوگرافی از حالت اولیه خود خارج شده بود این روزنامه به جرم انتشار تصاویر خلاف عفت به مدت یک سال توقیف شد. مسأله یاد شده به این معنا نیست که قصد و اراده ای که در تحقق عناوین مجرمانه ضروری است با تحقق نشر مسلم گرفته می‌شود به عنوان مثال جرم نشر اکاذیب تنها زمانی جرم تلقی می‌شود که قصد مرتکب، تشویش اذهان عمومی باشد و بدون احراز این مسأله نمی‌توان فرد را مجرم تشخیص داد. از این رو، شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران در دادنامه شماره ۱۷۵ مورخ ۷۶/۵/۶ خود در پرونده مربوط به روزنامه همشهری (کلاس ۱۰۱/۳۴/۷۶) به واسطه عدم احراز قصد تشویش اذهان عمومی مدیرمسئول آن روزنامه را از اتهام نشر اخبار کذب (نشر اکاذیب) مبرا دانست.

ج) رکن قانونی: هر چند قانون مطبوعات عناوین مجرمانه متعددی را در قلمرو حقوق مطبوعات پیش بینی کرده است اما فهرست جرایمی که می‌تواند دامنگیر مطبوعات شود به این قانون خلاصه نمی‌شود و قوانین دیگر مانند قانون مجازات اسلامی، قانون انتخابات مجلس، قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز فهرست این جرایم را طولانی تر کرده اند. با این همه عموم مضامین مندرج در قانون مطبوعات اکثر این عناوین را نیز در بر می‌گیرد و تنها موارد معدودی خارج از این ساختار قرار می‌گیرد. در هر حال وجود این موارد در کنار قانون مطبوعات موجب نوعی ابهام در تعیین جرایم مطبوعاتی شده است. ابهام دیگر را در این زمینه خود قانون مطبوعات پدید آورده است که بدون ارائه تعریفی از جرم مطبوعاتی، مسئولیت های متنوع ناشی از آن را درهم آمیخته و درخصوص جرایم نیز رویه ای پیچیده را در پیش گرفته است. ابتدا در فصل چهارم (حدود مطبوعات) خود با عنوان حدود مطبوعات با استقبال از اصل ۲۴ قانون اساسی، در ماده ۶ می‌گوید: "نشریات جز در مورد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند..." و موارد محدودیت را به فصل مذکور (مواد ۶ و ۷) منحصر می‌کند. سپس در فصل‌های دیگر خصوصاً فصل ششم (جرایم) به ذکر عناوین مجرمانه جدیدی می‌پردازد. علاوه بر آنچه گفته شد اصل تفسیر به نفع متهم مقتضی آن است که تضمینات مقرر شده برای جرایم مطبوعاتی درباره همه جرایم مطبوعاتی به مورد اجرا درآید؛ چه عنوان جرم در آن قانون آمده باشد و چه در قوانین دیگر؛ مسأله ای که در رویه دادگاههای کشور نیز مشاهده می‌شود. البته در دادنامه های صادر شده از دادگاههای عمومی رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی عناوینی مشاهده می‌شود که در قوانین موضوعه جرم قلمداد نشده اند. «اشاعه فساد» یکی از موارد

شایع این عناوین است که در چندین دادنامه به جای عناوینی چون اشاعه فحشا به کار رفته است که از آن جمله می توان به دادنامه شماره ۴۲۹ مورخ ۷۵/۱۱/۱۵ شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران که در خصوص پرونده مدیرمسئول ماهنامه نیستان صادر شده اشاره کرد. «تشویش اذهان عمومی» نیز از دیگر عناوین غیرقانونی‌ای است که در خصوص جرایم مطبوعاتی به کار رفته است. قصد تشویش اذهان عمومی در ماده ۶۹۸ ق.م.ا از جمله مؤلفه های رکن روانی جرم نشر اکاذیب به شمار آمده و تلقی کردن آن به منزله عنوان مجرمانه مستقل محمل قانونی ای نخواهد داشت. (قاسم محمدی، پیشین، ص ۶۹) در بررسی پرونده‌های موجود در جامعه آماری این تحقیق به ۳۳ پرونده مرتبط با این عنوان مواجه می‌شویم که در دو مورد دادگاه صرفاً جهت رسیدگی به اتهام تشویش اذهان عمومی برگزار شده است.

سیاست تقنینی و قضایی در قلمرو جرایم مطبوعاتی

صاحب‌نظران و دانشمندان حقوقی جرایم مطبوعاتی را به دو دسته اصلی تقسیم کرده اند که در این قسمت به آن می‌پردازیم.

بخش اول: جرایم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی

مطبوعات به لحاظ گستره توزیع اهمیت بسزایی دارد و قانونگذار در مورد جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص و برای رعایت مصالح عمومی جامعه مقررات صریحی وضع کرده است. جرایم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی بیشتر مربوط به حوزه حیثیت و آبروی افراد می‌شود:

بند اول: توهین به اشخاص: از مهم‌ترین عناوین مجرمانه علیه حیثیت و آبروی افراد توهین و در نتیجه آن هتک حرمت افراد است. توهین در معنای عام عبارت‌است از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار و رفتار و کتابت و اشاره که به‌نحوی از انحاء در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن وارد آورد. توهین در معنای خاص نیز عبارت‌است "از نسبت دادن هر امر وهن‌آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد و یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که در نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث تحقیر و پست‌شدن طرف گردد." (پاد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳)

در اصطلاح حقوقی نیز مراد همان معانی عرفی توهین است. بنابراین برای تشخیص موهن بودن عمل مادی یا زشت و قبیح بودن فحش و ناسزا ضرورت دارد که مقامات قضایی و دادگاه‌ها در هر مورد با در نظر گرفتن عرف و عادات و زمان و مکان و شخصیت و وضع اجتماعی طرف، عمل توهین‌آمیز یا لفظ رکیک را به طور کامل و صریح ارزیابی و سنجیده و در حکم صادره قید نماید. (ولیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۱) همچنین اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۳۴۷۲ مورخ ۷۷/۸/۱۶، بر مفهوم عرفی توهین تصریح نموده‌است: "اهانت امر عرفی و تشخیص آن با قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده است." در حقوق ایران، توهین مطبوعاتی تفاوت چندانی در مقام مفهوم و معنی با توهین عادی ندارد و انجام آن به وسیله مطبوعات تنها وجه تمایز آن است. تشخیص موهن بودن عمل، لفظ و... با هیئت منصفه به نمایندگی از جامعه خواهد بود. هیئت منصفه باید این مطلب را در مورد توهین مطبوعاتی در نظر بگیرد که لازمه آزادی مطبوعات گاه انتقادهای تند و بی‌پروا است. شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۳۱۹/۷/۱۳-۲۲۶۸ در این خصوص اشعار داشت: "صرف خشونت در گفتار مستلزم اهانت نیست."

انواع توهین مطبوعاتی به اعتبار طرف توهین عبارت است از نخست اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید (بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات)، دوم افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد (بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات)، سوم توهین به اشخاص از طریق انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص (ماده ۳۰ قانون مطبوعات)، چهارم توهین به متوفی در صورتی که عرفاً هتاک به بازماندگان وی به حساب آید (تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات)، پنجم استفاده ابزاری از افراد اعم از زن و مرد در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن (بند ۱۰ ماده ۶ قانون مطبوعات). جرم توهین از جرایم عمدی است. بنابراین نویسنده مطلب باید به موهن بودن مطلب و جنبه تحقیرکنندگی آن علم داشته باشد. به علاوه خواست ایراد و انتشار کلمات رکیک و خلاف عفت نسبت به دیگری، جزء دیگر عنصر معنوی این جرم (سوءنیت عام) است. همچنین قصد خفت طرف مقابل (سوءنیت خاص) نیز از ناحیه مرتکب شرط است. سوءنیت در توهین و فحاشی همیشه مفروض بوده و نیاز به اثبات ندارد؛ زیرا نوع و ماهیت الفاظ و اعمال

توهین‌آمیز کاشف از وجود سوءنیت می‌باشد. با توجه به این که رکن اساسی جرم مطبوعاتی، انتشار مطلب در نشریه است، خواست انتشار از ناحیه مدیرمسئول کافی برای تحقق عنصر معنوی موردنیاز است، این خواست نیز باتوجه به قبول سمت مدیرمسئولی، مفروض است. بنابراین صرف این ادعا از جانب مدیرمسئول که مطلب موهن را نخوانده است، مانع تحقق عنصر معنوی جرم نیست و عمد وی در انتشار کافی است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷، ص ۴۶)

پس از کنکاش در پرونده‌های جامعه آماری تحقیق، به بیست و دو پرونده مرتبط با جرم توهین به اشخاص برمی‌خوریم که در شانزده دعوی، حکم برائت صادر شده است و سایر آرای صادره به شرح زیر می‌باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رأی صادره
۱	۷۵/۱۱/۱۵	ماهنامه نیستان	پرداخت دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی
۲	۷۶/۱۲/۱۱	روزنامه اخبار	۱. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی تعزیری، ۲. چهار ماه محرومیت از مدیرمسئولی نشریه به عنوان تتمیم مجازات
۳	۷۷/۴/۲۹	هفته نامه شما	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی
۴	۷۷/۶/۲۳	دوهفته نامه عصرما	۱. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی، ۲. شش ماه محرومیت از انتشار این نشریه با عنوان تتمیم مجازات
۵	۷۸/۱۲/۱۴	روزنامه کیهان	یک میلیون ریال جزای نقدی

بند دوم: افترا: به معنای بهتان، تهمت زدن و به دروغ کارهای ناروا به کسی نسبت دادن می‌باشد. ریشه لغوی این واژه «فری» و «فریه» است که به باب افتعال رفته است. در اصطلاح حقوقی و طبق مقررات مربوطه (ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی) افترا عبارت است از فعل مثبت مادی در نسبت دادن امری به یک نفر یا چند نفر که مطابق قانون جرم محسوب می‌شود و می‌بایست دارای شرایط صریح بودن، جرم بودن فعل انتسابی و عجز از اثبات آن در مرجع صلاحیت دار قضایی توسط مفتري باشد. در جرم افترا، نوع وسیله اسناد موضوعیت ندارد و در این مورد صرف اسناد با هر وسیله ای که باشد از مصادیق افترا خواهد بود. افترای مطبوعاتی در مقایسه با افترای ساده به جز انتشار مطلب افتراآمیز از طریق مطبوعات، خصوصیت دیگری ندارد.

در حقوق ایران، ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، بند ۸ ماده ۶، تبصره ۲ ماده ۶ و ماده ۳۰ قانون مطبوعات به این امر پرداخته است. جرم افترا از جرایم عمدی است. علم مرتکب جرم به کذب بودن نسبت داده شده و خواست انتساب عمل مجرمانه به دیگری (سوء نیت عام)، شرط تحقق جرم مذکور است. باتوجه به اطلاق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی قصد اضرار به غیر (سوء نیت خاص) و انگیزه در تحقق این جرم بی تأثیر است. درخصوص جرم مطبوعاتی مدیرمسئول، عمد وی در انتشار مطلب افتراآمیز و علم او به افترا بودن مطلب شرط است و این امر با قبول سمت مدیرمسئولی مفروض است و اثبات خلاف آن به عهده وی است. (همان، ص ۵۰)

در بررسی پرونده های مطبوعاتی، یکی از موارد مورد حساسیت جامعه ایران جرم افترا است که ۶۲ پرونده را به خود اختصاص داده است که در این میان تنها دو دعوی مربوط به شکایت اشخاص حقیقی از هفته نامه کیهان هوایی و شخص حقیقی از دوهفته نامه قرن ۲۱، صرفاً مربوط به این جرم بوده است که در دعوی اول حکم برائت و در دادگاه دوم قاضی رأی به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی داده است و در ۶۰ پرونده دیگر متشکی عنه در کنار پاسخگویی به جرم افترا به جرایم دیگر انتسابی نیز پاسخ داده است. قابل ذکر است در خصوص آرای صادره نیز در ۴۰

مورد قاضی پرونده رأی به برائت متشکی عنه داده است و در ۱۰ مورد نیز رأی قرار موقوفی تعقیب صادر شده است. سایر آرای صادره نیز به شرح زیر می باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رای صادره
۱	۷۴/۵/۳	هفته نامه گزارش هفته	۱. محرومیت از مشاغل مطبوعاتی به مدت یکسال، ۲. شش ماه حبس تعلیقی به مدت سه سال پس از اتمام محرومیت از مشاغل مطبوعاتی
۲	۷۴/۵/۳۰	هفته نامه ارزش	۱. شش ماه حبس تعلیقی به مدت سه سال، ۲. یکسال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی
۳	۷۵/۵/۱	دو هفته نامه قرن ۲۱	پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی
۴	۷۷/۶/۲۱	ماهنامه صبح	۱. پرداخت سه میلیون ریال، ۲. چهار ماه محرومیت از مدیر مسئولی هر نشریه ای با عنوان تتمیم مجازات
۵	۷۹/۲/۴	روزنامه آفتاب امروز	۱. پرداخت ده میلیون ریال بدل از حبس و شلاق، ۲. لغو امتیاز نشریه با توجه به اصرار نشریه به تخلف
۶	۷۹/۷/۱۳	هفته نامه قم امروز	شش ماه حبس تعلیقی طی دو سال
۷	۷۹/۶/۳۰	هفته نامه خلیج فارس	۱. شش ماه حبس تعلیقی طی دو سال، ۲. پرداخت یک میلیون ریال
۸	۷۹/۷/۱۸	روزنامه عصر آزادگان	چهار ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس و شلاق
۹	۷۹/۴/۲۲	هفته نامه امیدزنگان	یک سال محرومیت از مشاغل مطبوعاتی بدل از حبس و شلاق
۱۰	۷۹/۵/۳	روزنامه آزاد	پرداخت یک و نیم میلیون ریال بدل از حبس
۱۱	۸۱/۶/۱۸	روزنامه همبستگی	پرداخت سه میلیون ریال بدل از حبس

بند سوم: نشر اکاذیب: یکی از شایع ترین جرایم مطبوعاتی، نشر اکاذیب است. به دلیل وسعت مصادیق این جرم، مطبوعات همواره در معرض ارتکاب آن قرار دارند. وجود این جرم در حقوق ایران کار مطبوعاتی را با مشکل مواجه کرده است. در این جرم لزوماً توهین یا افترايي نسبت به دیگری انجام نمی شود. همین طور باتوجه به کار رفتن عبارت "به قصد اضرار به غیر" در صدر ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و تصریح مذکور در ذیل ماده، برخلاف توهین و افترا علیه اشخاص حقوقی نیز قابل ارتکاب می باشد. در قانون مطبوعات کشور ما جرمی تحت این عنوان، پیش بینی نشده است اما باتوجه به درج عبارت پخش شایعات یا مطالب خلاف واقع در بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، می توان به این مفهوم رسید که قانونگذار به جهت جامع بودن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی که شامل مطبوعات و حتی کتب هم می شود از توضیح مکررات خودداری نموده است. به موجب ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی جرم نشر اکاذیب مطبوعاتی را می توان به "استناد مطالب خلاف واقع به دیگری از طریق انتشار مطبوعه به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی" تعریف کرد. باتوجه به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی عمل مرتکب در این جرم به دو صورت قابل تحقق است: (۱) اظهار اکاذیب، (۲) نسبت خلاف حقیقت به غیر. این دو عنوان، مستقل از هم بوده و ارتکاب هریک از آنها برای تحقق جرم نشر اکاذیب کافی است. نسبت خلاف حقیقت به غیر، مستلزم بیان و اظهار کذب است، در حالی که اظهار کذب،

لزوماً با نسبت خلاف حقیقت همراه نیست. اگر نسبت خلاف واقع به دیگری، به صورت انتساب یک جرم باشد موضوع از شمول نشر اکاذیب خارج شده و عنوان افترا پیدا می کند. در حقوق ایران اشاعه اکاذیب جرم مطلق است و این مطلب باتوجه به صراحت ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مبنی بر این که "... اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی وارد شود یا نه"، مشخص می شود. این جرم نیاز به صراحت ندارد و حتی نشر اکاذیب ممکن است به صورت تلویحی یا نقل قول محقق شود. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷، ص ۵۳) در جرم نشر اکاذیب در حقوق ایران (برخلاف جرم افترا) اثبات کذب بودن مطلب طبق اصول کلی آیین دادرسی کیفری به عهده مقام قضایی است و پس از اثبات کذب بودن مطلب جرم محقق می شود. این جرم از جرایم مطلق بوده و منوط به تحقق خارجی ضرر نیست و برابر ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی جزء جرایم قابل گذشت محسوب شده ولی باتوجه به اینکه مجنی علیه فردی عادی باشد یا کارمند دولت یا نهادهای دولتی، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۶۸۹۹ مورخ ۶۴/۱۱/۱۵ بین آنها فرق قائل شده و در نظریه دیگر به شماره ۷/۴۶۵ مورخ ۶۸/۱/۲۷، به طور مطلق جرم نشر اکاذیب را از جرایم عمومی و حقوق عامه و غیرقابل گذشت دانسته است. این جرم از جرایم عمدی است و اثبات علم مرتکب به خلافواقع یا دروغ بودن اظهار یا انتساب و نیز خواست اظهار کذب یا انتساب امور غیرواقع به دیگری (سوء نیت عام) در آن شرط است. به علاوه با این که این جرم مطلق است و نیازی به ایراد ضرر به دیگری ندارد، در عنصر معنوی قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی (سوء نیت خاص) شرط است. (همان، ص ۵۵)

در بررسی پرونده های مربوطه، با ۱۴۶ شکایت از جرم نشر اکاذیب مواجه می شویم که در ۳۸ پرونده دادگاه صرفاً جهت رسیدگی به همین جرم تشکیل شده است و در مابقی دعاوی اتهامات دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نکته قابل تأمل اینکه در ۶۹ دعوا حکم براءت صادر شده و در ۳۰ پرونده نیز قرار موقوفی تعقیب صادر شده است که به نظر می رسد میزان حساسیت جامعه ما به این جرم بالاست. در حالی که تعداد متناهی از شکایات توسط قضات مربوطه مورد تأیید قرار نگرفته است. سایر آرای صادره نیز به شرح زیر می باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رای صادره
۱	۷۰/۷/۶	روزنامه خراسان	۱. بیست ضربه شلاق، ۲. یکسال حبس، ۳. تعلیق مجازات به مدت سه سال و سکونت اجباری در قم و عدم فعالیت مطبوعاتی در این سه سال
۲	۷۲/۶/۱۳	روزنامه سلام	۱. محرومیت از مدیرمسئولی روزنامه سلام، ۲. سلب صلاحیت کار مطبوعاتی به مدت سه سال، ۳. پنج سال تعلیق محکومیت مذکور
۳	سال ۷۳	خبرنگار هفته نامه قومس	۱. سه سال محرومیت از حرفه خبرنگاری، ۲. هفتاد و چهار ضربه شلاق
۴	۷۴/۶/۲۸	هفته نامه پهلوان	پرداخت هفتاد هزار و ده ریال
۵	۷۴/۹/۱۹	ماهنامه گزارش ماهانه	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از سه ماه حبس
۶	۷۴/۱۱/۱۶	روزنامه نگار ابرار	پرداخت سیصد هزار ریال
۷	۷۵/۲/۳۱	هفته نامه پیام دانشجو	۱. پنج سال محرومیت از اداره نشریه به عنوان مدیر مسئول یا صاحب امتیاز، ۲. پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بدل از یکسال حبس تعزیری
۸	۷۵/۵/۱	هفته نامه آذر مهر	۱. محرومیت از اداره این نشریه و صاحب امتیازی هر نشریه دیگر، ۲. پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۹	۷۵/۶/۲۷	روزنامه اخبار	۱. پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی، ۲. شش ماه محرومیت از اداره هر روزنامه ای به عنوان مدیر مسئول با عنوان تتمیم مجازات
۱۰	۷۵/۸/۷	هفته نامه کیهان هوایی	پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی
۱۱	۷۶/۱/۱۹	هفته نامه توس	۱. محرومیت ده ساله از فعالیت مطبوعاتی، ۲. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی، ۳. عدم حق دریافت امتیاز هیچ یک از نشریات

۱۲	۷۶/۹/۱۵	هفته نامه راه نو	یکسال حبس که نه ماه آن به مدت پنج سال تعلیق شد
۱۳	۷۷/۲/۲۱	هفته نامه کیهان هوایی	۱. سه ماه محرومیت از مدیرمسئولی مطبوعاتی، ۲. پرداخت یک میلیون ریال
۱۴	۷۷/۳/۱۵	هفته نامه کیهان ورزشی	۱. سه ماه محرومیت از مدیرمسئولی هر نشریه‌ای، ۲. پرداخت یک میلیون ریال
۱۵	۷۷/۴/۱۵	روزنامه گزارش روز	پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۱۶	۷۷/۴/۱۵	روزنامه رسالت	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی
۱۷	۷۷/۴/۲۹	هفته نامه شما	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی
۱۸	۷۷/۷/۵	ماهنامه جامعه سالم	پرداخت سه میلیون ریال بدل از حبس
۱۹	۷۷/۹/۲	ماهنامه ایران فردا	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۲۰	۷۷/۱۱/۵	هفته نامه آدینه	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۲۱	۷۷/۱۱/۱۵	روزنامه نگار هفته نامه آوای شمال	۱. ده ماه حبس، ۲. چهل ضربه شلاق، ۳. پرداخت پنجاه میلیون ریال
۲۲	۷۸/۱/۲۵	هفت تن از اعضای خانه مطبوعات گیلان	شش ماه حبس تعلیقی به مدت دو سال
۲۳	۷۸/۵/۳	روزنامه سلام	پرداخت پنج میلیون ریال بدل از شش ماه حبس تعزیری
۲۴	۷۸/۸/۸	روزنامه خرداد	پنج سال محرومیت از مدیرمسئولی روزنامه بدل از یکسال حبس
۲۵	۷۸/۹/۱۶	روزنامه آریا	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از چهار ماه حبس
۲۶	۷۸/۸/۴	هفته نامه آوای اردبیل	۱. توقیف یکماهه نشریه، ۲. پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی
۲۷	۷۸/۱۲/۱۴	روزنامه کیهان	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی تعزیری
۲۸	۷۹/۲/۴	روزنامه آفتاب امروز	۱. پنج سال محرومیت از کلیه فعالیتهای مطبوعاتی بدل از حبس، ۲. لغو امتیاز نشریه به علت اصرار
۲۹	۸۱/۲/۶	روزنامه بامداد نو	۱. شش ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس، ۲. لغو امتیاز نشریه به علت اصرار
۳۰	۷۹/۴/۲۰	روزنامه آریا	پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از چهار ماه حبس تعزیری
۳۱	۷۹/۴/۸	هفته نامه آوا	۱. پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بدل از پنجاه و پنج روز حبس تعزیری، ۲. لغو امتیاز نشریه به علت اصرار
۳۲	۷۹/۶/۱۵	هفته نامه گوناگون	یکسال محرومیت از مسؤولیت‌های مطبوعاتی بدل از سه ماه و یک روز حبس
۳۳	۷۹/۷/۱۳	هفته نامه قم امروز	۱. یک سال محرومیت از مسؤولیت‌های مطبوعاتی، ۲. پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی، ۳. شش ماه حبس تعلیقی طی دو سال
۳۴	۷۹/۶/۳۰	هفته نامه خلیج فارس	پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۳۵	۷۹/۷/۶	روزنامه ندای آذر آبادگان	پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۳۶	۷۹/۷/۱۸	روزنامه عصر آزادگان	پنج ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس

۳۷	۷۹/۸/۴	هفته نامه سایبان یزد	پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی
۳۸	۷۹/۹	روزنامه فتح	۱. چهار سال محرومیت از مسؤولیت های مطبوعاتی بدل از حبس و شلاق، ۲. لغو امتیاز نشریه به علت اصرار
۳۹	۷۹/۵/۳	روزنامه آزاد	دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی بدل از حبس
۴۰	۷۹/۳/۲۲	روزنامه احرار تبریز	۱. سه ماه تعطیلی نشریه، ۲. پرداخت پنجاه و پنج میلیون ریال
۴۱	۸۱/۶/۱۸	روزنامه همبستگی	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی
۴۲	۷۹/۱۰/۲۸	هفته نامه شمس تبریز	پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۴۳	۷۹/۲/۴	هفته نامه آبان	پنج سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی بدل از یک سال حبس
۴۴	۷۹/۱۲/۹	هفته نامه صدای ارومیه	۱. پرداخت دو میلیون و چهارصد هزار ریال ۲. بیست ضربه شلاق تعزیری

بند چهارم: سرقت ادبی: بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات، سرقت های ادبی از ناحیه مطبوعات را جرم قلمداد کرده است. ضمناً تبصره یک این ماده سرقت ادبی را اینگونه تعریف کرده است: "سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه" که این تعریف ناقص به نظر می رسد و قانونگذار مطبوعات ۱۳۶۴ بدون توجه به سابقه قانونگذاری در این زمینه و قانون خاص حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ تنها به ذکر مصداق از مصادیق نقض حقوق مؤلفین، یعنی نسبت دادن اثر (اعم از تألیف یا ترجمه) به خود یا غیر اکتفا و در مورد سایر مصادیق از جمله نشر اثر دیگری بدون اجازه یا تغییر در آثار مورد حمایت قانونی سکوت کرده است. به علاوه در بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات از سرقت های ادبی نام برده در حالی که در تعریف، سرقت ادبی را به صورت مفرد تعریف کرده است. با توجه به عدم انحصار جرایم مطبوعاتی به جرایم مندرج در قانون مطبوعات، سرقت های ادبی (مطبوعاتی) را نباید منحصر به تعریف مندرج در تبصره یک ماده ۶ قانون مطبوعات دانست. بلکه در این زمینه باید به قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نیز مراجعه کرد. بنابراین اگر عمل مرتکب سرقت ادبی مشمول تبصره یک ماده ۶ قانون مطبوعات گردد، مرتکب باید با توجه به تبصره دو این ماده مجازات شود و در غیر این صورت (سایر مصادیق خارج از تعریف تبصره یک و بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات) باید به ماده ۱۹، ۲۳ و ۲۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان رجوع کرد. (همان، ص ۵۶)

در بررسی پرونده های هدف، تنها به یک مورد شکایت در این خصوص بر می خوریم که در هفدهم آذرماه سال ۱۳۷۷ توسط یک شخص حقیقی از هفته نامه باور اقامه دعوا شده و دادگاه پس از بررسی مستندات رأی به محکومیت مدیرمسئول نشریه نموده و وی را به مدت شش ماه از مدیرمسئولی نشریه مذکور یا هر نشریه دیگر محروم و به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی محکوم نموده است. ضمناً جهت اعاده حیثیت و خسارت معنوی به چاپ یک نوبت رأی دادگاه در هفته نامه باور ملزم نمود.

بند پنجم: تقلید نام یا علامت نشریه دیگر: در حقوق ایران، یکی از محدودیت های مطبوعات «انتشار نشریه به نحوی است که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده اند، از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود» (بند ج ماده ۷ قانون مطبوعات). در این صورت مطابق ماده ۳۳ قانون مطبوعات، از انتشار نشریه جلوگیری و مرتکب طبق نظر حاکم شرع محکوم می شود و تعقیب جرم و مجازات نیز منوط به شکایت شاکی خصوصی است. در رویه عملی پس از تأیید حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه توسط دادگاه تجدیدنظر، دست اندرکاران این نشریه با شکل و شمایل مشابه روزنامه جامعه، روزنامه توس را در تاریخ ۷۷/۵/۳ منتشر کردند اما پرونده ای با این عنوان اتهامی تشکیل نشده است.

بند ششم: تهدید به وسیله مطبوعات: اگر تهدید به وسیله درج مطالب در مطبوعات صورت گیرد، جرم مطبوعاتی محسوب می شود. ماده ۳۱ قانون مطبوعات در خصوص این جرم مقرر می دارد: «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد». اگر چه در این ماده، تهدید به قتل یا سایر ضررهای نفسانی و جسمانی و نیز تهدید به هتک شرف یا حیثیت یا افشای سر نسبت به بستگان مجنی علیه پیش بینی نشده است اما باتوجه به پذیرش تعریف موسع جرم مطبوعاتی و با مراجعه به ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، این اشکال قابل رفع است. این ماده این

گونه مقرر می دارد: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». ماده ۳۱ قانون مطبوعات برخلاف ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، بین تهدید به هتک شرف که ناظر به امور عفتی است و تهدید به هتک حیثیت که ناظر به آبروی اجتماعی اشخاص است، تفکیک قائل شده است. هرچند عده ای از حقوقدانان معتقدند مطلق تهدید برای تحقق جرم کافی نیست بلکه تهدید باید مقید به یکی از موارد منصوص مواد فوق باشد. این عده در خصوص مواد قانون مجازات اسلامی اینگونه اظهارنظر می کنند: «البته اگرچه در مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ موارد متعددی بیان شده است و لیکن ماده ۳۱ قانون مطبوعات آنها را به دو مورد محدود کرده است که عبارتست از ضرر شرفی (هتک حیثیت و شرف) و افشای سری (که در زندگی افراد نقش اساسی دارد). لذا مطابق قانون مزبور، تهدید به موارد دیگر ولو وخیم تر و خطرناک تر از این موارد، جرم عادی تلقی شده و نباید جرم مطبوعاتی محسوب شود.» (سعید مرتضوی، پیشین، ص ۱۱۴)

این تهدید ممکن است به طور مستقیم متوجه خود مخاطب یا یکی از بستگان او باشد. ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی صریحا به این مطلب اشاره کرده است. باتوجه به اطلاقی ماده ۳۱ قانون مطبوعات چنین به نظر می رسد که این حکم بتواند در مورد تهدید به وسیله مطبوعات نیز مصداق داشته باشد. بنابراین صرف ترسیدن و تحت تأثیر قرار گرفتن فرد از هر طریق کافی است. البته برخی با توجه به کلمه «شخصی» مذکور در ماده ۳۱ برآنند که تهدید باید متوجه شخص مخاطب باشد. اما بدیهی است کلمه مزبور وصفی برای کلمه اسرار است و لذا چنین برداشتی صحیح به نظر نمی رسد. (سعید مرتضوی، پیشین، ص ۱۱۴) در تحقق جرم تهدید مطبوعاتی مانند تهدید ساده دروغ یا راست بودن موضوع تهدید بی تأثیر است. همچنان که در تهدید به افشای سر، قانونی یا غیرقانونی بودن افشای سر تأثیری در تحقق جرم ندارد. این جرم مطلق است و نیاز به تحقق نتیجه ندارد. از لحاظ عنصر معنوی این جرم عمدی بوده و خواست انجام فعل تهدید به یکی از مصادیق قانونی (سوء نیت عام) شرط و سوءنیت خاص و انگیزه در تحقق این جرم بی تأثیر است. لذا لازم نیست که تهدید کننده واقعا قصد اجرای تهدید خود را هم داشته باشد و نیز شرط نیست که نتیجه به نفع خود تهدیدکننده باشد، ممکن است متنتفع از آن شخص ثالثی باشد. (ابراهیم پاد، پیشین، ص ۲۸۰) در خصوص این جرم نیز تنها یک پرونده مطبوعاتی در تاریخ ۷۰/۷/۶ وجود دارد که مدعی العموم به همراه اتهامات دیگری نظیر نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، القاء شبهه نسبت به بیانات رهبری، درج مطالب غیرعلنی دادسرا و دادگاه و... از روزنامه خراسان با عنوان تخلف از تعهد و نقض ماده ۳۱ قانون مطبوعات شکایت نموده بود.

بند هفتم: افشای اسرار شخصی: در قانون مطبوعات، افشای اسرار اشخاص به عنوان جرم پیش بینی نشده است، ولی باتوجه به پذیرش تعریف موسع از جرم مطبوعاتی، این نقص با ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی قابل حل است. این ماده اشعار می دارد: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند». اگر چه در این ماده ذکر از اصحاب مطبوعات در کنار اطباء و ... نشده است، اما کار مطبوعاتی و روزنامه نگاری جزء صنفی است که اصحاب آن به مناسبت شغل، محرم اسرار مردم می شوند. بنابراین اگر مدیرمسئول اسرار مردم را از طریق نشریه تحت نظارت خود بازگو و افشا کند، مرتکب این جرم شده است. شرط تحقق این جرم این است که افشای سر غیرقانونی باشد. در مورد تشخیص سر بودن برخلاف اسرار محرمانه دولتی و نظامی که ضابطه تقریبا مشخصی دارند، در اینجا هیچ ضابطه ای جز عرف و نیز توافق صریح یا ضمنی صاحب سر و نشریه وجود ندارد و هیئت منصفه باید آن را احراز کند. این جرم از جرایم عمدی بوده و علم به سر بودن مطلب و نیز سوء نیت یعنی خواست افشا و انتشار سر به قصد ضرر شرط است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ص ۵۹) در مورد این جرم نیز هیچ شکایت مطبوعاتی ملاحظه نشد.

بخش دوم: جرایم مطبوعاتی در قلمرو نظم و امنیت عمومی

در این قلمرو برخلاف حقوق فردی آنچه اولاً و بالذات مورد آسیب واقع می شود، نظم، امنیت و نهادهای اساسی جامعه است؛ گرچه در مرتبه ثانوی و بالعرض ممکن است منجر به لطمه به حقوق افراد نیز شود:

بند اول: انتشار اسناد محرمانه و سری دولتی و نظامی: در حقوق کشور ما طبق ماده دوم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات هر شخص ایرانی از جمله روزنامه نگاران حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. باتوجه به ماده ۵ قانون مطبوعات که کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی را حق قانونی مطبوعات می داند و نیز باتوجه به قوانین خاصی که اسناد محرمانه و طبقه بندی شده

مانند قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی (مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹) و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۷۱/۵/۱۸) را تعریف می کند، ظاهراً این اصل پذیرفته شده است که همه اسناد حکومت، محرمانه نبوده و دسترسی به آن بلاشکال و از جمله حقوق قانونی مطبوعات است، مگر در متنی خاص و توسط مقام صلاحیتدار، آن اسناد محرمانه و سری تلقی شده باشد. این جرایم از لحاظ عنصر معنوی، زیرمجموعه جرایم عمدی بوده و علم به محرمانه بودن یا سری بودن اسناد و خواست انتشار آن اسناد، شرط است. (همان، ص ۶۵) یکی از مهمترین پرونده های مطبوعاتی در زمینه افشای اسناد محرمانه در ایران، پرونده روزنامه سلام در خصوص انتشار نامه سعید امامی در خصوص توصیه به محدودیت مطبوعات است. دادگاه ویژه روحانیت پس از تصمیم هیئت منصفه این دادگاه، مبنی بر تقصیر مدیرمسئول نشریه سلام، مقرر داشت: «مجرمیت متهم درباره انتشار سند خیلی محرمانه دولتی به استناد بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات و ذیل ماده دو قانون مجازات و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی، محرز تشخیص داده شد و تقاضای متهم مبنی بر صدور قرار موقوفی تعقیب به دلیل پس گرفتن شکایت توسط وزارت اطلاعات قابل قبول نیست، زیرا قانونگذار تعقیب کیفری را به تقاضای وزارتخانه یا مؤسسه مربوطه موکول کرده است که در این مورد وزارت اطلاعات تقاضای رسیدگی کرده و ادامه پیگیری قضایی منوط به شکایت آن ارگان نبوده که قابل استرداد باشد....»

درخصوص این جرم نیز هفت دادگاه مطبوعاتی به شرح زیر تشکیل و آرای مربوطه صادر شده است:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رأی صادره
۱	۷۴/۴/۴	هفته نامه کادح	برائت
۲	۷۵/۸/۲۰	هفته نامه فرهنگ آفرینش	قرار موقوفی تعقیب باتوجه به گذشت شاکي
۳	۷۷/۳/۱۸	روزنامه جامعه	برائت
۴	۷۸/۵/۳	روزنامه سلام	پنج سال تعطیلی روزنامه بدل از سه سال حبس
۵	۷۸/۹/۱۶	روزنامه آریا	برائت
۶	۷۸/۱۲/۱۴	روزنامه کیهان	برائت
۷	۷۹/۲/۱۰	هفته نامه جبهه	قرار موقوفی تعقیب با توجه به شمول مرور زمان

بند دوم: انتشار مذاکرات جلسات غیرعلنی محاکم دادگستری و مراجع قضایی: بند ۶ ماده ۶ و ماده ۲۹ قانون مطبوعات، انتشار بدون مجوز مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی را ممنوع اعلام کرده است. قبل از اصلاحیه قانون مطبوعات، چنین ممنوعیتی، با توجه به عدم پیش بینی مجازات برای آن در قانون مطبوعات و احاله مجازات این جرم به قانون تعزیرات و عدم وجود چنین عنوان مجرمانه ای در قانون تعزیرات در حقیقت دارای ضمانت اجرای کیفری نبوده اما در حال حاضر با توجه به تبصره ۲ الحاقی به ماده ۶ قانون مطبوعات، مجازات این جرم مشمول مجازات مندرج در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است. انتشار مذاکرات محاکم دادگستری ناظر به محاکم در معنای خاص و دادگاههای دادگستری اعم از عمومی و انقلاب و نظامی و... است. در حالی که مراجع قضایی عنوان عامی است که شامل مراجع غیر دادگستری نظیر دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور و دادرهای موجود نیز می شود. در بررسی های صورت گرفته تنها دو روزنامه خراسان در تاریخ ۷۰/۷/۶ و توس در تاریخ ۷۴/۷/۲۸ به اتهام این مورد در دادگاه حاضر و پس از پاسخگویی به اتهام وارده، رأی برائت صادر شده است.

بند سوم: انتشار مذاکرات جلسات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی: بند ۶ ماده ۶ و ماده ۲۹ قانون مطبوعات، انتشار این مذاکرات را مطابق اصل ۶۹ قانون اساسی جرم قلمداد کرده است که پرونده ای در این مورد در دادگاه مطبوعات تشکیل نشده است.

بند چهارم: توهین به مقامات: در قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات نوعی توهین مشدد، نسبت به کارکنان دولت (ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی)، امام خمینی، مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید (بند ۷ ماده ۶، ماده ۲۷ قانون مطبوعات و ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی) پیش بینی شده است. باتوجه به شرایط خاص مذکور در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی امکان ارتکاب توهین مشدد و مستقل از توهین ساده توسط مطبوعات وجود ندارد. هرچند در رویه عملی، دادگاه عمومی ویژه مطبوعات (شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران) طی دادنامه شماره ۸۲ مورخ ۷۷/۳/۱۸، مدیرمسئول روزنامه جامعه را به اتهام توهین به فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محکوم ساخت. به جز عدم وجود

شرایط موجود در ماده، با توجه به اینکه سمت های مذکور در ماده حصری است و فرمانده سپاه جزء کارمندان دولت محسوب نمی شود؛ این رأی قابل تأمل است. در خصوص توهین به امام خمینی دو پرونده مهم مطبوعاتی وجود داشته است. محاکمه نخست؛ اولین محاکمه مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۵ شهریور ماه ۱۳۷۱ محسوب می شود؛ در پی چاپ طرحی موهن از تصویر امام خمینی، در مجله فاراد (شماره اردیبهشت ۷۱) انجام گرفت. این طرح که در قالب یک فوتبالیست معلول ترسیم شده بود، شباهت زیادی به امام داشت و هیئت منصفه مطبوعات مدیرمسئول این مجله را در این خصوص مجرم شناخت؛ ولی با توجه به خدمات فرهنگی وی، او را مستحق تخفیف دانست و نامبرده به شش ماه حبس محکوم شد. پرونده دیگر در این خصوص انتشار سخنان رئیسکار دستن (رئیس جمهور پیشین فرانسه) در روزنامه توس مورخ ۷۷/۶/۲۳ بود. در این روزنامه دستن مدعی شده بود: «...او (امام خمینی) به خواست خود از عراق با هواپیمای مسافری به پاریس آمد و با پاسپورت معتبر ایرانی مسافرت کرد. به محض ورود در فرودگاه تقاضای سیاسی کرد و ما هم به وی پناهندگی دادیم...». دادگاه انقلاب، نخست در تاریخ ۷۷/۶/۲۵ حکم تعطیلی این روزنامه را صادر و سپس چند تن از دست اندرکاران این روزنامه را به عنوان اقدام علیه امنیت ملی دستگیر کرد. دوازده روز بعد از این دستگیری، هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه انتشار روزنامه توس را به خاطر چاپ مصاحبه با رئیسکار دستن که آن را توهین به امام خمینی می دانست، لغو و از مدیر این نشریه تحت این عنوان شکایت کرد.

این جرم شصت و دو دعوای مطبوعاتی را به خود اختصاص داده است که در ده دادگاه متهم تنها به علت اتهام به ارتکاب توهین به مقامات و مسئولین نظام به دفاع از خود پرداخته است. ضمناً در بیست و هشت دادگاه، هیئت منصفه پس از استماع دفاعیات متهم رأی به برائت وی صادر و در نه پرونده نیز قرار موقوفی تعقیب صادر شده است. سایر آرای صادره از قرار زیر می باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رای صادره
۱	۷۱/۶/۲۵	ماهنامه فاراد	۱. شش ماه حبس، ۲. پنجاه ضربه شلاق تعزیری، ۳. لغو امتیاز نشریه
۲	۷۱/۷/۶	طراح ماهنامه فاراد	ده سال حبس
۳	۷۵/۲/۳۱	هفته نامه پیام دانشجو	برائت
۴	۷۵/۹/۱۱	ماهنامه در آستانه فردا	یک میلیون ریال جزای نقدی تعزیری بدل از شلاق
۵	۷۵/۱۱/۱۵	هفته نامه امید جوان	پرداخت دویست هزار ریال جزای نقدی بدل از حبس
۶	۷۶/۱/۱۹	هفته نامه توس	۱. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی، ۲. محرومیت ده ساله از فعالیت مطبوعاتی، ۳. عدم حق دریافت امتیاز هیچ یک از نشریات
۷	۷۶/۲/۳۱	ماهنامه آفتابگردان	۱. لغو پروانه نشریه، ۲. پرداخت بیست میلیون ریال
۸	۷۶/۷/۲۴	ماهنامه صبح	۱. یک ماه محرومیت از انتشار ماهنامه، ۲. پرداخت پنج میلیون ریال
۹	۷۷/۷/۵	ماهنامه جامعه سالم	۱. یکسال حبس تعلیقی به مدت پنج سال، ۲. پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی تعزیری، ۳. لغو امتیاز نشریه
۱۰	۷۷/۲/۲۱	هفته نامه کیهان هوایی	۱. سه ماه محرومیت از مدیرمسئولی مطبوعاتی، ۲. پرداخت یک میلیون ریال
۱۱	۷۷/۳/۱۸	روزنامه جامعه	پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۱۲	۷۷/۶/۲۳	دوهفته نامه عصرما	۱. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی، ۲. شش ماه محرومیت از انتشار این نشریه از جهت تتمیم مجازات
۱۳	۷۷/۵/۲۴	هفته نامه خانه	۱. شش ماه حبس تعلیقی به مدت دو سال، ۲. لغو امتیاز نشریه، ۳. پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی

۱۴	۷۷/۷/۲۹	روزنامه زن	۱. پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی، ۲. دو هفته محرومیت از انتشار روزنامه از جهت تتمیم مجازات
۱۵	۷۷/۹/۲	ماهنامه ایران فردا	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۱۶	۷۸/۸/۸	روزنامه خرداد	۱. دو سال حبس، ۲. لغو پروانه روزنامه
۱۷	۷۹/۴/۳۰	روزنامه آریا	دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی بدل از حبس یا شلاق
۱۸	۷۹/۴/۸	هفته نامه آوا	دو سال محرومیت از مشاغل و مسؤولیت های مطبوعاتی بدل از ۵۵ روز حبس تعزیری
۱۹	۷۹/۵/۱۰	روزنامه روز درآ	۱. پنج ماه و بیست روز حبس تعزیری، ۲. پرداخت سه و نیم میلیون ریال جزای نقدی، ۳. لغو امتیاز نشریه
۲۰	۷۹/۶/۳۰	هفته نامه خلیج فارس	۱. شش ماه حبس تعلیقی طی دو سال، ۲. محرومیت از مشاغل مطبوعاتی طی دو سال
۲۱	۷۹/۷/۱۸	روزنامه عصر آزادگان	یک سال محرومیت از فعالیت های مطبوعاتی بدل از حبس
۲۲	۷۹/۸/۱۵	هفته نامه نشر گفتمان	شش ماه حبس تعزیری
۲۳	۷۹/۹	روزنامه فتح	شش ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس
۲۴	۷۹/۴/۲۲	هفته نامه امیدزنگان	پرداخت دو میلیون ریال بدل از دو ماه حبس تعزیری
۲۵	۷۹/۵/۳	روزنامه آزاد	پنج ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس
۲۶	۷۹/۳/۲۲	روزنامه احرار تبریز	پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی

بند پنجم: توهین به مقدسات: بند ۷ ماده ۶ و ماده ۲۶ قانون مطبوعات و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی اهانت به دین اسلام و مقدسات را جرم قلمداد کرده است. در بند ۷ ماده ۶ و ماده ۲۶ قانون مطبوعات، اسلام را از مقدسات آن جدا کرده و توهین به هر کدام، مستقلاً جرم شمرده شده است. بنابراین اگر نسبت به اسلام، به عنوان یک مجموع واحد دینی (نه اجزای آن)، بیان وهن آور و تخفیف دهنده ای در مطبوعات به کار رود، جرم توهین به اسلام محقق می شود. این جرم دارای ابهام بیشتری از جرم توهین به اسلام است. ممکن است سخن یا عملی به نظر برخی از افراد اهانت محسوب شود اما به نظر برخی دیگر در حد اهانت نباشد. بنابراین بهتر است تشخیص این موضوع به دادگاه واگذار شود تا دادگاه بر اساس موازین شرعی و عرفی تشخیص دهد. دیدگاهها و قرائت های مختلف نسبت به اسلام، تعیین دایره مقدسات را مشکل کرده است. در تعیین مصادیق مقدسات اسلام نمی توان نقش زمان و مکان و تحولات فکری جامعه را نادیده گرفت. این مشکل با توجه به اینکه مقدسات اسلام، تنها شامل مقدسات مذهب شیعه نبوده بلکه مقدسات سایر فرق اسلامی را نیز دربرمی گیرد، دوچندان نمی شود. زیرا مقدسات فرق مختلف اسلامی گاه حتی در تضاد با یکدیگر نیز قرار می گیرد. بنابراین باید قدر متیقنی را در قلمرو مقدسات قرار داد و عدم تعیین و تحدید مقدسات اسلام، موجب تهافت آرا و سلب آزادیهای اساسی مردم و مطبوعات می شود. به نظر می رسد رجوع به قرآن مجید به عنوان نقطه مشترک همه فرق اسلامی، عدم توسعه بلاجهت مقدسات به فروع و توجه به محکمت و اصول دین و واجبات مسلم قرآنی، راه منطقی است. (همان، ص ۷۱) در رویه عملی به دلیل حساسیت دستگاه قضایی نسبت به مسایل دینی تفکیک میان انتقاد از دین اسلام و توهین به دین اسلام و مقدسات آن دقیقاً رعایت نمی شود و انتقاد به اسلام حتی اگر همراه با کلمات موهن و تخفیف دهنده نباشد، نوعی توهین به اسلام تلقی می شود. به طور مثال در پرونده مطبوعاتی روزنامه نشاط درج مقاله ای در این روزنامه مبنی بر اینکه «آیا خشونت دولتی مجاز است؟» و نقد خشونت های دولتی و نفی مجازات های خشن از جمله اعدام، توهین به اسلام و قاعده اسلامی قصاص تلقی شد و مدیرمسئول این روزنامه در شهریور ۷۸ محاکمه و تحت این عنوان محکوم شد. (دادنامه شماره ۴۱۲ مورخ ۷۸/۶/۲۹، شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران)

عنصر معنوی این جرم علاوه بر سوء نیت عام، قصد تحقیر و کوچک شمردن مقدسات یا ائمه یا پیامبران است. بنابراین اگر کسی چنین هدفی نداشته باشد، مشمول این ماده نخواهد بود. باید توجه داشت که قصد اهانت، سوء نیت خاص است و سوء نیت خاص، قید تحقق جرم است. اصولاً قصد اهانت یک امر مستحدثه است و در صورت محرز نشدن اصل بر نبودن قصد است. (سعید مرتضوی، پیشین، ص ۱۱۵) مجازات مندرج در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مطابق تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات، مجازات جرم توهین به اسلام و مقدسات آن می باشد. به علاوه طبق ماده ۲۶ قانون مطبوعات، در صورتی که این توهین منجر به ارتداد شود؛ می بایست حکم ارتداد اجرا شود. در قانون مجازات اسلامی به جز مصداق خاص ساب النبی (مندرج در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی) جرمی تحت عنوان ارتداد پیش بینی نشده است. بنابراین در حال حاضر صدور حکم ارتداد، خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی) است. ضمناً درخصوص توهین به سایر ادیان کشور، ماده ۲۰ لایحه قانونی مطبوعات اینگونه اشعار می داشت: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا ۲ سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود». اما در قانون فعلی در این خصوص سکوت شده است. دادگاه مطبوعات ده بار به این اتهام رسیدگی نموده است که در پنج پرونده حکم براءت صادر شده است و سایر آرا به شرح زیر می‌باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رای صادره
۱	۷۷/۵/۲۴	هفته نامه خانه	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی
۲	۷۸/۸/۸	روزنامه خرداد	سه سال حبس
۳	۷۸/۹/۸	هفته نامه شلمچه	لغو امتیاز نشریه
۴	۷۹/۴/۲۱	هفته‌نامه چشم‌آردیل	۱. پرداخت یک میلیون ریال بدل از یک‌ماه حبس، ۲. چهار ماه توقیف نشریه
۵	۷۹/۷/۱۸	روزنامه عصر آزادگان	یک سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی بدل از حبس

بند ششم: تحریک به جرایم علیه امنیت: امنیت و مصالح کشور مفهومی پویاست و به عناصر سازنده و نگاهدارنده قدرت اجتماعی وابسته است. به همان میزان که ماهیت قدرت اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می شود، امنیت نیز به ویژه در بعد ملی آن دستخوش تحولاتی می گردد. به عقیده بسیاری از کارشناسان امور امنیتی از مؤثرترین عوامل دگرگون کننده ساخت قدرت، ایجاد توسعه ساز و کارهای مناسب و شدت و شتاب آنها و نحوه استفاده از آن و به کارگیری آن در شرایط و وضعیتهای مختلف است. در این فرآیند است که مؤلفه های جدیدی بر تکوین، استقرار، تثبیت و قوام قدرت در سطوح داخلی، ملی و بین المللی اثر می گذارد. یکی از این مؤلفه ها موضوع افکار عمومی و چگونگی اثرگذاری بر آن است. در این راستا رسانه های جمعی به ویژه مطبوعات به عنوان مجرای شکل دهی به پذیره افکار عمومی یعنی عنصر محوری و بسیار مؤثر در قدرت امنیتی کشور مورد توجه گروهها و احزاب و قدرتهای مختلف با انگیزه های متفاوت قرار گرفته است. (همان، ص ۱۱۵) در بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات، تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمال علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور، به طور مطلق بدون نیاز به نتیجه و اثر جرم تلقی شده است. همچنین به موجب ماده ۲۵ قانون مطبوعات «هرکس به وسیله مطبوعات مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع، بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد». قسمت اول این ماده، تنها تأکیدی بر یک قاعده حقوق جزا مبنی بر تبعی بودن امر معاونت در جرم است؛ به این معنا که معاون عنصر قانونی خود را از مباشر جرم عاریه گرفته و تا اثری بر معاونت مترتب نشود، معاون قابل پیگیری نیست. بنابراین تنها نکته جدید در این ماده، قسمت اخیر آن و تکرار بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات مبنی بر جرم انگاری در خصوص تحریص و تشویق به ارتکاب جرم علیه امنیت از طریق مطبوعات به عنوان یک جرم مطلق و بدون نیاز به تأثیر تحریک و تحقق جرم از ناحیه دیگری (مباشر) است. شرط تحقق جرم مندرج در ماده ۲۵ قانون مطبوعات این است که تحریص و تشویق به ارتکاب جرم علیه امنیت صریح باشد و تحریک ضمنی و تلویحی مشمول ماده نیست. به عنوان نمونه اگر فردی در مطبوعات چنین بنویسد: «کاش روزی حرکت خروشان جمعیت را شاهد باشیم»؛ این مطلب نمی تواند مصداق تحریک صریح به ارتکاب جرم علیه امنیت باشد. (سید مهدی علوی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸)

این جرم، جرمی عمدی است و قصد تحریص و تشویق خوانندگان به ارتکاب جرم علیه امنیت، شرط تحقق آن است. همچنین در ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی، تحریک نیروهای مسلح به عصیان، فرار، تسلیم و عدم اجرای وظایف نظامی و در ماده ۵۱۲ این قانون، تحریک و اغوای مردم به جنگ و کشتار علیه دیگران به عنوان جرم مستقل از معاونت مورد حکم قرار گرفته است. بنابراین اگر این تحریکات به وسیله مطبوعات و انتشار در آن باشد؛ جرم فوق مطبوعاتی است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ص ۷۳) در خصوص جرم تحریک به جرایم علیه امنیت پرونده ای مشاهده نشد.

بند هفتم: تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران: به موجب ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». همچنین در سال ۷۷، قانونگذار به موجب بند یک ماده ۶ قانون مطبوعات، نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند را جرم انگاری کرد. این دو جرم به علت کلی بودن مفاهیم مندرج در آن و ابهام در عبارات «هر نحو فعالیت تبلیغی»، «نظام جمهوری اسلامی ایران»، «گروهها و سازمان های مخالف نظام»، «مطالب مخالف موازین اسلامی»، «مطالب مخالف موازین اسلامی»، «اساس جمهوری اسلامی» دارای اشکال و با اصل قانونی بودن جرایم معارض و بسته به مشرب فکری و سیاسی مفسر آن قابل تفسیرهای متفاوت است. در عنصر مادی این جرم، عمل مرتکب فعل مثبت مادی فعالیت تبلیغی است. منظور از فعالیت تبلیغی انتشار مکرر یک پیام خاص و ترویج یک تفکر به وسیله مبلغین و مروجین آن است. در حال حاضر مطبوعات به عنوان یکی از ابزارهای مهم فعالیت های تبلیغی در موضوعات گوناگون بیشتر در خطر ارتکاب این جرم است. از نظر عنصر مادی، در خصوص آنی، به عادت و یا مستمر بودن این جرم اختلاف نظر است. گرچه برای تحقق تبلیغ نیاز به تکرار عمل است و در نتیجه به ظاهر این جرم در زیرمجموعه جرایم به عادت قرار می گیرد؛ اما باتوجه به اینکه عمل مرتکب در این جرم فعالیت تبلیغی است نه صرف تبلیغ؛ این جرم در زیرمجموعه جرایم مستمر قرار می گیرد. بنابراین جرم این ماده در مورد مطبوعات به صرف درج پیام تبلیغی و تکرار آن محقق نمی شود؛ بلکه نشریه باید جهت پیام فوق اظهارات مستمر و فعالیت داشته باشد. (همان، ص ۷۵)

منظور از نظام جمهوری اسلامی ایران، کلیت نظام و پایه و اساس آن باتوجه به اساسنامه حکومت یعنی قانون اساسی تفسیر می شود که در این قانون، دو رکن اسلامی بودن باتوجه به اصول ۲، ۴ و ۵ و جمهوریت باتوجه به اصول ۶، ۷ و ۵۶ به عنوان پایه های اساسی نظام شناخته شده است. با نظر به اصل ۱۷۷ قانون اساسی مبنی بر «... محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدائی کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است»؛ تفسیر بعضی از حقوقدانان که نظام جمهوری اسلامی را شامل تمام سازمانهای مملکتی و مسؤولان آن می دانند. (ضیاء الدین پیمانی، ۱۳۷۵، ص ۲۱) مبهم و خلاف اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و آزادی بیان است. (معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ص ۷۵) اما در رویه عملی، این دو ماده به صورت موسع تفسیر شده است و تمایل به گسترش دامنه نظام به نهادهای حکومتی و نیز مقامات و مسؤولان حکومت وجود دارد. چنانچه در شکایت نماینده رئیس کل دادگستری به عنوان مدعی العموم از نشریه ایران فردا، انتشار این جملات تبلیغ علیه نظام محسوب شده بود: «...هجوم قوه قضاییه به شهرداران تهران از موارد دیگر تهاجم به قوه مجریه است...» (عذرا فراهانی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۵)، «...مقامات و مسؤولان حکومت فقط به همین شور و هیجان و رونق دوره های انتخاباتی دلخوشند و نتیجه انتخابات برایشان چندان مهم نیست، زیرا نتیجه هر چه باشد امور را مطابق دلخواه خودشان می گردانند و پس از پایان انتخاب هم دوران رکود، سکوت و خفقان آغاز می نمایند، تا اثبات کنند که هیچ چیز عوض نشده است...» (ماهانامه ایران فردا، شماره ۴۶، ص ۲). البته هیئت منصفه جملات فوق را تبلیغ علیه نظام ندانست (دادنامه شماره ۴۱۵ مورخ ۷۷/۹/۷، شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران). همچنین در حال حاضر تمایز دقیق بین انتقاد و تبلیغ وجود ندارد. به طور مثال دادگاه ویژه روحانیت نقل جمله «درباره حذف صوری نظام سلطنتی هم اگر چه ما این نظام را حذف کردیم، ولی آنچه که باقی مانده و ما به شدت درگیر آن هستیم، بازتولید روابط سلطنتی سابق است، به عبارت دیگر مردم انقلاب کردند تا خودشان تصمیم بگیرند نه اینکه برایشان تصمیم بگیرند ولو این که فرد صالحی برایشان تصمیم بگیرد» را در روزنامه خرداد مورخ ۷۷/۱۱/۲۵ تبلیغ علیه نظام دانست و نویسنده آن را به مجازات زندان محکوم کرد (دادنامه شماره ۹۱۱ مورخ ۷۸/۱/۳۰) و مدیرمسئول این روزنامه نیز تحت همین عنوان توسط هیئت منصفه این دادگاه مجرم شناخته شد. (عبدالله نوری، ۱۳۷۸، ص ۳۱۴) از لحاظ عنصر معنوی، این جرم، از جرایم عمدی است و خواست فعالیت تبلیغی به قصد ایجاد ضرر برای نظام، از شرایط تحقق این جرم است. تنها در سه پرونده از سیزده پرونده مرتبط با این جرم حکم برائت صادر و سایر آرای منجر به محکومیت روزنامه به شرح زیر می باشد:

ردیف	تاریخ رسیدگی	مشتری عنه	رای صادره
۱	۷۸/۳/۲۶	دوهفته نامه هویت خویش	قرار موقوفی تعقیب به علت شمول مرور زمان
۲	۷۸/۸/۸	روزنامه خرداد	پرداخت پانزده میلیون ریال بدل از نه ماه حبس
۳	۷۹/۲/۴	روزنامه آفتاب امروز	شش ماه تعطیلی روزنامه بدل از حبس
۴	۷۹/۲/۶	روزنامه بامداد نو	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۵	۷۹/۶/۱۵	هفته نامه گوناگون	یکسال محرومیت از مسئولیت های مطبوعاتی بدل از حبس
۶	۷۹/۶/۱۵	هفته نامه دانستیها	دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی بدل از شش ماه حبس
۷	۷۹/۷/۱۸	روزنامه عصر آزادگان	پنج ماه تعطیلی روزنامه
۸	۷۹/۹	روزنامه فتح	پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۹	۷۹/۱۰/۲	روزنامه همبستگی	پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس
۱۰	۷۹/۲/۴	هفته نامه آبان	۱. پرداخت ده میلیون ریال بدل از شش ماه حبس، ۲. شش ماه حبس

بند هشتم: انتشار نشریه بدون پروانه: به موجب ماده ۳۲ قانون مطبوعات «هرکس در نشریه ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسؤولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده اند نیز می شود». علاوه بر این ماده، بند الف ماده ۷ قانون مطبوعات نیز «چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دایم تعطیل گردیده است» را ممنوع کرده است. بنابراین عمل مرتکب در این جرم، انتشار عمدی نشریه از طرف کسی است که به هر دلیل صاحب امتیاز یا مدیرمسئول آن نشریه نیست. ایراد وارد به این ممنوعیت احاله تعیین مجازات به حاکم شرع و در نتیجه عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازات است. ضمناً منظور از نشریه در ماده ۳۲ و بند الف ماده ۷ قانون مطبوعات، نشریه ای است که مشمول ماده ۱ قانون مطبوعات شود. بنابراین، جرم مذکور شامل انتشار نشریات داخلی و رایگان یک سازمان نمی شود (تبصره ۲ ماده ۹ قانون مطبوعات). در خصوص این جرم پرونده ای مشاهده نشد.

بند نهم: عدم رعایت مصوبات شورای عالی امنیت ملی: به موجب تبصره ۲ الحاقی به ماده ۵ قانون مطبوعات «مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است. در صورت تخلف، دادگاه می تواند نشریه متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید». این تبصره برخلاف اصل ۸۵ قانون اساسی که مطابق آن مجلس از واگذاری اختیار قانونگذاری به اشخاص یا هیئتها منع شده است؛ دارای اشکال به نظر می رسد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ص ۷۶) در خصوص این جرم پرونده ای مشاهده نشد.

بند دهم: انتشار مطلب علیه قانون اساسی: بعضی اصول قانون اساسی به عنوان یک قانون بشری ممکن است دارای اشکالاتی باشد. چنانچه به دلیل همین اشکالات این قانون در سال ۶۸ مورد بازبینی قرار گرفت. بنابراین جرم انتشار مطلب و مقالاتی در نقد این اصول در مطبوعات طبق بند ۱۲ ماده ۶ قانون مطبوعات موجه نیست و اساساً این نوع جرم انگاری باب هر نوع نقد و انتقاد را نیز مسدود می نماید. از طرفی اشکالات مطروحه در مورد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز در اینجا وارد است. در خصوص این جرم نیز پرونده ای مشاهده نشد.

بند یازدهم: انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی: حفظ و صیانت اجتماع در مقابل انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی به دلیل خطرات عدیده آن برای جامعه و بخصوص نسل جوان امری ضروری است. در جامعه اسلامی ایران انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی، علاوه بر منع قانونی، عقلی و اخلاقی دارای قبح شرعی نیز می باشد. مفاهیم عفت عمومی با توجه به عرف، فرهنگ، ارزشهای حاکم بر هر جامعه متفاوت است. از این رو احراز مصادیق مجرمانه در خصوص مطالب یا تصاویر خلاف عفت عمومی به عهده هیئت منصفه به عنوان نماینده افکار عمومی است. بند ۲ و ۱۰ ماده ۶ قانون مطبوعات به این امر پرداخته و ماده ۲۸ این قانون نیز در تفصیل این جرم اشعار می دارد: «انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود». ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز در این مورد این گونه بیان می کند: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱، هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و در معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد...». در حال حاضر در کشور ما تشخیص مسایل خلاف عفت عمومی به علل گوناگونی از جمله تعارض افکار و برداشت و عرف موجود در این زمینه، بخصوص پس از ورود فرهنگ غرب و تعارض سنت و تجدد، با مشکل مواجه است. اما مسلم است که در تشخیص انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی باید نقش و تأثیر نوع و زمینه نشریه، زمان و مکان انتشار و فضای کلی نوشته را در نظر گرفت. خصوصیت زمانی نیز در تعیین مطالب خلاف عفت عمومی اهمیت دارد. این خصوصیت ممکن است در فاصله زمانی بلندمدت باشد. به طور مثال درج بسیاری از مطالب و تصاویری که در نشریات رژیم گذشته، بخصوص در مجلات جوانان انتشار می یافت، در حال حاضر عنوان خلاف عفت عمومی را دارد. (همان، ص ۷۹) به طور مثال هیئت منصفه انتشار مطلبی تحت عنوان «آشنایی زیر پلک ترس» که در کنار این مطلب تصویر دختر و پسری که زیرچشمی به یکدیگر نگاه می کردند، در نشریه گزارش روز را خلاف عفت عمومی تشخیص داد (دادنامه شماره ۳۶۵ مورخ ۷۷/۴/۱۵). این خصوصیت زمانی حتی ممکن است در یک فاصله کوتاه باشد. به طور مثال در کشور ما، به دلیل ویژگی های خاص ماه محرم، ممکن است چاپ مطلبی که در ایام دیگر متعارف باشد در این ایام خلاف عفت عمومی تلقی شود. به طور مثال هیئت منصفه چاپ عکسی در صفحه اول روزنامه جامعه مورخ ۷۷/۲/۷ که در آن عده ای در حال کف زدن بودند و یک نفر در وسط آنان می رقصید و در زیر آن درج شده بود: «ساعت ۶ صبح، پارک ملت، شادی یک جمع دوستانه که نشاط بهاری را پس از ساعتی ورزش صبحگاهی افزون تر ساخته است»؛ به دلیل تقارن چاپ آن با دهه اول محرم خلاف عفت عمومی تشخیص داد (دادنامه شماره ۸۲ مورخ ۷۷/۳/۱۸). در بیست و دو دادگاه تشکیل شده برای رسیدگی به این جرم، در چهارده دعوی حکم براءت صادر شده است و در سایر محاکم نیز آرای زیر به متشکی عنه ابلاغ شده است:

ردیف	تاریخ رسیدگی	متشکی عنه	رأی صادره
۱	۷۳/۱۲/۲۳	ماهنامه تکاپو	لغو امتیاز نشریه توسط هیئت نظارت بر مطبوعات و صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادگاه در سال ۷۸
۲	۷۶/۱۲/۱۱	هفته نامه فکور	۱. پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی، ۲. شش ماه محرومیت از اداره نشریه به عنوان مدیر مسؤول
۳	۷۷/۳/۱۸	روزنامه جامعه	۱. پرداخت سه میلیون ریال تعزیری بدل از سه ماه حبس، ۲. پرداخت سه میلیون ریال، ۳. محرومیت یکساله از مدیر مسؤولی و صاحب امتیازی روزنامه ها و نشریات، ۴. لغو امتیاز و پروانه انتشار به جهت تعمیم مجازات
۴	۷۷/۱۱/۵	هفته نامه آدینه	۱. پرداخت شش میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و شلاق، ۲. دو سال و نیم عدم انتشار روزنامه به جهت تعمیم مجازات
۵	۷۷/۱۱/۲۹	هفته نامه مهر	پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی
۶	۷۹/۷/۴	هفته نامه میلاد	یک سال محرومیت از مدیر مسؤولی نشریه
۷	۷۹/۱۲/۲	هفته نامه نوید آذربایجان	پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی
۸	۷۹/۲/۴	هفته نامه آبان	۱. پنج سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی، ۲. پرداخت ده میلیون ریال

بند دوازدهم: پخش شایعات: پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران در بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات این گونه جرم انگاری شده است: «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران» این نوع جرم انگاری به دلیل کلی بودن، ابهام در عنصر مادی و در نتیجه امکان برداشت های گوناگون از آن، موجه و منطقی نیست. به طور مثال امکان دارد مطلبی از دید یک روزنامه نگار حقیقت مسلم باشد ولی همین مطلب از دیدگاه حقوقی به دلیل اینکه مدرکی در تأیید آن وجود ندارد، شایعه فرض شود. همچنین اگر بنا باشد روزنامه نگاران برای چاپ هر مطلبی دلیلی بر صحت آن داشته باشند، کار روزنامه نگاری که مستلزم سرعت اطلاع رسانی و حفظ منافع جامعه است، با مشکل مواجه می شود. به علاوه با وجود پیش بینی جرم اشاعه اکاذیب در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی که از لحاظ رویه قضایی دارای ارکان مشخصی است، به جرم انگاری مبهم انتشار شایعه نیازی نیست (همان، ص ۸۰) که عدم وجود هیچ پرونده مطبوعاتی در خصوص این جرم نیز مؤید این نظر است.

بند سیزدهم: دریافت کمک خارجی: ماده ۸ قانون مطبوعات در این خصوص این گونه اشعار می دارد: «انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع و جرم محسوب می شود. تبصره ۱- مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود می تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیرایرانی در چهارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند. تبصره ۲- کمک های اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی غیر دولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود...». در خصوص این جرم نیز دادگاهی تشکیل نشده است.

بند چهاردهم: واگذاری امتیاز نشریه: تبصره ۳ ماده ۸ قانون مطبوعات در این خصوص اشعار می دارد: «واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیئت نظارت».

در دو پرونده مربوط به هفته نامه گوناگون و دانستنیها، این دو نشریه متهم به واگذاری امتیاز نشریه به شرکت جامعه روز و سلب حق نظارت از خود شده بودند که پس از بررسی، هر دو مدیرمسئول مجرم شناخته شده و مدیر مسئول نشریه دانستنیها با لحاظ کردن استحقاق تخفیف به یک میلیون ریال جزای نقدی تعزیری و هفته نامه گوناگون به شش ماه محرومیت از انتشار محکوم شدند.

بند پانزدهم: تحریک به عداوت های نژادی: بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات، ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی را جرم دانسته است. به علاوه یکی از مصادیق جرم موضوع ماده ۲۵ قانون مطبوعات (تحریک مردم به ارتکاب جرم علیه امنیت) از طریق برانگیختن عداوت و جنگ های نژادی و قومی است. قانون خاصی نیز تحت عنوان "قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی، مصوب ۱۳۵۶/۴/۸" در این زمینه وجود دارد. تنها پرونده مرتبط با این موضوع مربوط به هفته نامه پیام دانشجو در تاریخ ۷۵/۲/۳۱، با اتهام ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی می باشد که منجر به برائت مدیر مسئول نشریه شد.

همچنین طراحان اصلاحیه قانون مطبوعات به این مقدار افزایش جرم در قلمرو مطبوعات اکتفا نکرده و سیاست کیفری خود را در این قلمرو با ماده ۳۵ اصلاحی قانون مطبوعات نشان داده اند. مطابق این ماده «تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می شود: الف - جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال. ب - تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات» با وجود این ماده تمامی تخلفات ساده مطبوعاتی مذکور در این قانون، نظیر عدول از رسالت مطبوعات (موارد مندرج در ماده ۲ قانون مطبوعات)، عدم انتشار نشریه ظرف مدت ۶ ماه پس از صدور پروانه (ماده ۱۶)، نداشتن دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون (ماده ۲۰)، عدم اطلاع تیراژ فروش ماهیانه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (تبصره ماده ۲۰) و عدم ارسال دو نسخه از نشریه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجلس شورای اسلامی و دادگستری مرکز استان محل نشر (ماده ۲۱) جرم محسوب می شود؛ هرچند که روزنامه ای به این اتهامات به دادگاه مطبوعات فراخوانده نشده است.

علاوه بر جرایم مذکور در تبصره ۲ ماده ۵ و مواد ۶، ۷، ۸، ۲۳ تا ۳۴ قانون مطبوعات، قوانین دیگری نیز از جمله ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تولید و توزیع مطبوعاتی که عفت عمومی را جریحه دار می کند)، ماده ۶۹۷ همین قانون (نسبت دادن جرم غیرقابل اثبات به اشخاص را به وسیله درج در روزنامه و جراید)، افشای شکایت ارائه شده به دیوان عدالت اداری (تبصره ماده ۱۳ دیوان عدالت اداری مصوب ۶۰/۱۱/۴)، نشر اثری منسوب به حضرت امام که به تأیید مؤسسه نشر آثار امام خمینی نرسیده باشد (ماده ۱ قانون نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام مصوب ۶۸/۸/۱۴)، نشر و انتساب اثری تقلبی به امام خمینی (ماده ۱ قانون الحاق موادی به قانون نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام مصوب ۶۹/۶/۲۶)، درج مطلب علیه نامزدهای انتخاباتی از سه روز قبل از اخذ رأی (ماده ۷۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۶۴/۴/۵)، درج تبلیغات انتخاباتی از ۲۴ ساعت قبل از اخذ رأی (ماده ۶۴ قانون انتخابات مجلس مصوب ۶۴/۴/۵)، تبلیغ جواز استفاده از ماهواره (تبصره ماده ۱۰ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره مصوب ۷۴/۱۱/۲۳) و تخلف از سیاست های تبلیغاتی در امر تعزیرات حکومتی (ماده واحده تبلیغات تعزیرات حکومتی بخش غیردولتی مصوب ۶۸/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام) عناوین مجرمانه دیگری هستند که در قوانین متنوع در خصوص مطبوعات تأسیس شده است.

علیرغم جرم انگاری گسترده در قلمرو جرایم مطبوعاتی عناوین اتهاماتی دیگری نیز مانند: ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه، پرده دری به خدمتگزاران نظام، استهزا، جعل، استفاده غیرمجاز از امکانات دولتی، هجو، اشاعه فرهنگ غرب، تحریک دانشجویان و مردم به اغتشاش و اعتصاب، طرفداری و تبلیغ آیت الله منتظری، استفاده از عناصر معاند و دگراندیش، نقض فرمان امام، اضرار به غیر و... موجب حضور اصحاب مطبوعات در دادگاه شده است.

نتیجه گیری:

۱. برداشت موسع از جرم مطبوعاتی با واقعیت جامعه در حال توسعه کنونی جهت تأمین امنیت قانونی و قضایی اصحاب مطبوعات سازگارتر است و پذیرش تعریف موسع آن نیز با اصل ۱۶۸ قانون اساسی منطبق است. در حال حاضر ارتکاب هر جرم مصرح در قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات جاری مشروط بر اینکه مطبوعات به عنوان ابزار و وسیله ارتکاب آن باشد، جرم مطبوعاتی تلقی می شود که در رویه قضایی دادگاههای مطبوعاتی نیز این امر مشهود است.

۲. یکی از مهم ترین اشکالات موجود رویه قضایی در قلمرو جرایم مطبوعاتی، عدم رعایت اصل قانونی بودن جرایم است. با توجه به روح قانون اساسی و لزوم تدوین قوانین و اعلام آنها به مردم و صراحت اصول ۳۲ تا ۳۹ و ۱۶۹ و بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی است، اصول مسلم حقوق اسلامی از جمله اصل اباحه، اصل برائت و قاعده قبح عقاب بلا بیان و آیات و روایاتی که هریک به نحوی مؤید اصل مذکور است، رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران پذیرفته شده است. با نگاهی به قانون مطبوعات مشخص می شود که قانونگذار اصل قانون بودن جرم را رعایت کرده است، در حالیکه در بعضی محاکمات مطبوعاتی به این اصل اساسی، توجه نشده است.

۳. یکی از جرایم مهم مطبوعاتی توهین به افراد، مقامات و مقدسات است. در عمل دامنه این جرم و تفاوت آن با انتقاد دقیقاً تعیین نشده است و در حال حاضر تمایل به توسعه دامنه جرم توهین به انتقاد از عملکرد اشخاص یا مقامات یا حکومت مشهود است.

فهرست منابع

کتاب:

۱. یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، جلد ۱، ۱۳۸۴
۲. پیمانی، ضیاء الدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۵
۳. شیخ الاسلامی، عباس، جرایم مطبوعاتی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۰
۴. نوری، عبدالله، شوکران اصلاح، چاپ ۶، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸
۵. عقیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۳
۶. فراهانی، عذرا، اسناد و پرونده های مطبوعاتی ایران دهه ۷۰، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴
۷. لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۵
۸. محمدی، قاسم، جرم مطبوعاتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۰
۹. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش، چاپ اول، جلد ۶، ۱۳۶۹
۱۰. مرتضوی، سعید، جرایم مطبوعاتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۱. مرکز مطالعات حقوق بشر و انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۹
۱۲. معاونت آموزش قوه قضاییه، بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۳. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم، جلد ۲، ۱۳۷۵
۱۴. ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۶۹

مقالات:

۱. اسماعیلی، محسن، تحلیل و نقد قانون مطبوعات، تحقیق ارایه شده به مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
۲. علوی، سید مهدی، مقررات کیفری محدودکننده اصل آزادی مطبوعات، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، خرداد ۷۶